



تهران - ۱۸ الی ۲۳ اردیبهشت ۱۳۷۲ دانشکده امور اقتصادی، مؤسسه توسعه اقتصادی بانک جهانی

برخی از سیاستها بروز نکرده است، ولی آینده‌ای روشن در پیش است. «مهندس محمد ملاکی که از سوی وزارت نیرو در سمینار «بررسی تحلیلی خصوصی سازی» شرکت کرده بود در ارتباط با خصوصی سازی بخش خدماتی آب و برق به این امر اعتقاد داشت که: «صرفنظر از مشکلات موجود، به طور کلی آثار و نشانه‌های اولیه بسیار امیدوارکننده می‌باشد».

آنچه در خصوصی سازی مهم است، وجود قوانین مدونی است که بتواند فضایی آرام را جهت سرمایه گذاری بوجود آورد. این قوانین که از سوی دولت وضع می‌شود می‌باید از انسجام لازم برخوردار بوده و زمینه را برای شرکت فعالتر بخش خصوصی آماده سازد. دولت جمهوری اسلامی نیز جهت آماده ساختن شرایط تلاش وافر دارد. به نظر دکتر آرمان «بر خلاف تصور همگانی مبنی بر اینکه برنامه خصوصی سازی در کشور یک برنامه مدون و مشخص نیست، برنامه خصوصی سازی اقتصادی در ایران طی برنامه‌ای که از سال ۱۳۶۵ به مجلس شورای اسلامی ارائه شد تدوین گشته و با اندک تغییراتی در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی در حال اجراست». چنین قوانینی بر آن است تا راه خصوصی کردن را هموارتر نماید. به دیگر سخن، دولت - که هدف خود را خصوصی کردن قرار داده است با تدوین قوانین گسترده،

سعی دارد امکانات بیشتری را عرضه نماید تا حضور بخش خصوصی در اقتصاد کشور بیش از پیش گسترش یابد. این قوانین به عقیده دکتر اکبریه موفقیت آمیز هم بوده است: «با قوانین جدید و مقررات اعلام شده از سوی دولت، حرکت به سمت رسیدن به اهداف خصوصی سازی روانتر شده است». اما آنچه از بحثهای مطروحه بر می‌آید، آن است که وجود این قوانین کافی

نیوده و خصوصی کردن اقتصاد با موانع و مشکلات بسیاری مواجه است. این مشکلات برخی مربوط به قوانین است و بعضی دیگر ریشه در وضع موجود دارد. فقدان قوانین مشخص به عقیده آقای داود حقیقی از جمله موانع و مشکلات مهم است. ایشان که معاون اقتصادی سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران هستند در روز ۱۹ اردیبهشت در این رابطه عنوان داشتند که: «روشن نبودن برخی از قوانین در امر سرمایه گذاری و مالکیت از موانع خصوصی سازی است». وی خواستار آن شد تا درباره رفع ابهامات قانونی و اداری بین سه قوه کشور هماهنگی مناسبی صورت گیرد تا حرکت کشور به سوی توسعه اقتصادی شتاب بیشتری یابد.

«نفوذ سلیقه‌های شخصی در اجرای خصوصی سازی موجب توقف و

اقتصاد کنونی ایران با مشکلات بسیاری روبرو است که جهت رفع آنها راه‌حلهای گوناگونی نیز ارائه شده است. از جمله آنها، سیاست «تعديل اقتصادی» است که از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران عنوان و اجرا می‌گردد. از محورهای اساسی این سیاست، «خصوصی سازی» اقتصادی است که تمهیدات فراوانی برای انجام آن فراهم آمده و سعی می‌شود سرعت بیشتری به آن داده شود. سمینار «بررسی تحلیلی خصوصی سازی» که از ۱۸ لغایت ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۷۲ توسط دانشکده امور اقتصادی و مؤسسه توسعه اقتصادی بانک جهانی و با حضور کارشناسان داخلی و خارجی برگزار گردید، موضوع خصوصی کردن اقتصاد ایران را محور بحث خود قرارداد.

خصوصی کردن از اولویت خاصی در سیاست تعدیل اقتصادی برخوردار است که دست‌اندرکاران بر آن تأکید می‌ورزند. دکتر محسن نوربخش وزیر امور اقتصادی و دارایی در روز پایانی سمینار این گونه عنوان ساخت که: «خصوصی سازی از برنامه‌های جدی تعدیل اقتصادی است». اما باید دید از نظر شرکت کنندگان در این سمینار، اهداف خصوصی سازی چیست؟ در ابتدا به مطلبی اشاره می‌کنیم که آقای جمال صغیر آن را مطرح نمودند: «هدف اصلی از خصوصی سازی افزایش کارایی داراییهایی که در بخش دولتی از بین رفته یا بهره برداری نمی‌شود، می‌باشد یعنی:

- الف - کاهش اتلاف منابع دولتی
- ب - افزایش کیفیت استفاده از منابع دولت
- پ - دستیابی به بازارهای سرمایه، تکنولوژی و منابع مالی خارجی
- ت - گسترش مالکیت
- ث - توسعه بازارهای سرمایه

که اهداف مذکور مسیر اصلی خصوصی سازی را نشان می‌دهد».

دکتر بهمن آرمان مسئول بخش پژوهش و تحقیقات بورس اوراق بهادار تهران نیز که در روز ۱۹ اردیبهشت سخنرانی کرد، درباره اهداف خصوصی سازی «افزایش میزان بهره‌وری در شرکتهای و بالا بردن توان آنها در تولید ناخالص داخلی» را ذکر کرده و همچنین سالم سازی اقتصادی واحدها را در این راستا توجیه نمود.

سخنرانان، دستیابی به اهداف را امری ممکن و عملی دانسته و آینده‌ای روشن را پیش بینی کردند. ایرج اکبریه معاون مالی و اداری سازمان صنایع ملی ایران که در روز ۲۲ اردیبهشت سخنرانی کرد گفت: «هرچند هنوز آثار عملی



شود. دکتر نوربخش مهمترین موضوع را وضع قوانین روشن می‌داند که می‌بایست از طریق آئین نامه و برنامه‌های مشخص تهیه و به اجرا در آید. علی زیرک نژاد معاون مدیر عامل بانک صنعت و معدن در امور بانکداری که در روز ۲۱ اردیبهشت سخنرانی می‌کرد، به همین موضوع پرداخت. به نظر وی باید بورس تقویت گردد. «برای آنکه خرید سهام از طریق بورس برای مردم به عنوان یکی از بهترین راههای سرمایه‌گذاری، جذابیت پیدا کند، لازم است برنامه‌ریزی وسیعی برای تقویت بورس صورت گیرد.» البته قانون نیز بیش از هر چیز باید در تقویت این امر کوشش نماید. و لازم است در کنار اصلاح قوانین سیاستهای دیگری نیز انجام گیرد، که آقای زیرک نژاد در این زمینه اعمال سیاستهای فرهنگی، آموزشی و تبلیغی در بوجود آوردن ابزارهای بازار سرمایه، اصلاح قانون مالیاتها، اصلاح قانون تجارت، تضمین امنیت سرمایه‌گذاری، فراهم کردن زمینه‌هایی برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی، ایجاد صندوق حمایت از سهام و خرید اقساطی سهام را پیشنهاد کرد. آقای سیمونانی کارشناس مؤسسه توسعه اقتصادی بانک جهانی به مواردی درباره رفع موانع و تسریع خصوصی سازی اشاره کرد. وی که در روز ۲۱ اردیبهشت سخنرانی داشت، گفت: در تدوین قوانین، ثبات، تغییر ناپذیر بودن، تبعیض نبودن، احترام به مالکیتها، آینده نگری و تسریع و تقویت فعالیتهای مردم در توسعه اقتصادی بسیار مهم است.»

نقش بانک جهانی در اجرای سیاست تعدیل اقتصادی بحث دیگری بود که توسط دکتر بهمن آرمان مطرح شد. وی گفت: «این یک توهم است که سیاست جاری اقتصادی را نسخه پیچیده شده توسط بانک جهانی بدانیم. اعتبارات بانک جهانی که در زمینه ایجاد صنایع زیربنایی سرمایه‌گذاری می‌شود، در بخشهای عظیمی مثل نیروگاه‌ها، سد‌ها و غیره هزینه می‌گردد. و این بخشها در کشورهای رو به رشد در دست دولت باقی می‌ماند.»

در پایان گزارش، به این نکته نیز اشاره می‌کنیم که از سوی وزارت نیرو، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و بانک صنعت و معدن اقدامات انجام شده در جهت فروش سهام شرکتها و کارخانجات تحت پوشش، مطالب مفصلی ایراد گردید که در آنها به لزوم تدوین قوانین و ایجاد امکانات بیشتر جهت خصوصی سازی تأکید شده است.

تکلی اجرای آن خواهد شد.» دکتر نوربخش که این سخن را در روز پایانی سمینار مطرح کرد، همچنین تأکید ورزید که وجود آئین‌نامه‌ها و برنامه مشخص لزومی مراجع قانونگذار امری ضروری است.

علاوه بر فقدان قوانین و عدم حاکمیت آنها، وضع موجود نیز مشکل عمده‌ای می‌باشد. آقایان داوود حقیقی و دکتر بهمن آرمان در این رابطه سخنان مبسوطی را در روز دوم سمینار ایراد کردند. آقای حقیقی به این موضوع اشاره داشت که: «نبودن تقاضا و سرمایه کافی در بورس مانع از حرکت جدی در دخالت کردن بخش خصوصی در امور تولیدی است.» دکتر آرمان نیز استقبال مردم از بورس را غیر کافی خواند. وی با اشاره به این مشکل عمده خصوصی سازی، گفت: «باید ابزار بیشتری برای افزایش رغبت و اعتماد مردم به کار گرفته شود. موضوع مهمی که دکتر آرمان مطرح کرد، کاهش خرید سهام از سال ۱۳۶۸ است: «سهام بخش خصوصی در خرید سهام اوراق بهادار در سال ۶۸ و ۶۹ معادل ۱۰۰ درصد بوده است، در حالی که این رقم در سال ۱۳۷۰ به ۷۹ درصد و در سال ۱۳۷۱ به ۶۸ درصد کاهش یافته است.» در جزوه گردانندگان سمینار نیز محدودیتهای کلی خصوصی سازی عنوان شده است:

الف. محدودیتهای سیاسی:

- مفاومتها و موانع ناشی از دیوان سالاری
- مخالفتهای اتحادیه‌های کارگری
- سایر گروههای ضد خصوصی سازی
- اقدامات دولت (سیاستهای مالیاتی، سوبسیدها و غیره)
- چهار چوب حقوقی

• دلایل عقیدتی

• پایداری سیاسی

ب. محدودیتهای پیاده سازی:

- موانع حاصل از محدودیتهای خاص بازار اوراق بهادار
- فقدان سرمایه / سرمایه‌گذاران
- مشکلات خاص صنایع

محور دیگری که در سمینار مطرح شد برنامه‌ها و سیاستهایی بود که بتواند جریان خصوصی سازی را سرعت بخشد. از آنجا که هدف اصلی دولت خصوصی کردن است تا از این طریق به استراتژی تعدیل اقتصادی جامه عمل بپوشاند، لذا لازم است توصیه‌هایی نیز جهت تسریع خصوصی سازی عنوان